



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

بازخوانی
روزنامه صبا
از سینمای دفاع
مقدس؛ «لیلی با من
است»، ساخته کمال
تبریزی

وقتی کمدی

وارد خط مقدم شد



تازه‌ای برای روایت جنگ بگشاید. گذر زمان نشان داد که گروه دوم درست‌تر قضاوت کرده بودند؛ چرا که «لیلی با من است» هنوز هم تازه و دیدنی است. اهمیت «لیلی با من است» تنها در جنبه سرگرمی‌اش نیست. این فیلم نشان داد که سینمای دفاع مقدس می‌تواند فراتر از روایت‌های حماسی حرکت کند و از زاویه‌های تازه به موضوع بپردازد. طنز در این فیلم نه تنها عامل جذب مخاطب است، بلکه ابزاری برای بیان حقیقتی عمیق‌تر نیز محسوب می‌شود؛ اینکه قهرمانی فقط در خط مقدم نیست، بلکه در غلبه بر ترس‌ها و ضعف‌های انسانی نیز معنا پیدا می‌کند. در مقایسه با فیلم‌های هم‌دوره، «لیلی با من است» نوعی سنت‌شکنی بود. در حالی که «دیدبان»، «مهاجر» و «لیلی با من است» و معنوی به جنگ داشتند، تبریزی سراغ روایت طنز رفت. این رویکرد، افق‌های تازه‌ای برای سینمای جنگ در ایران گشود. بعدها فیلم‌های دیگری تلاش کردند با زبان طنز به جنگ بپردازند، اما کمتر اثری توانست به اندازه «لیلی با من است» موفق و ماندگار باشد.

امروز و پس از گذشت سه دهه، بازخوانی «لیلی با من است» نه تنها یک مرور نوستالژیک، بلکه فرصتی برای گفت‌وگو با نسل جدید است. نسلی که شاید جنگ را تجربه نکرده، اما با دغدغه‌های انسانی شخصیت صادق مشکینی می‌تواند ارتباط برقرار کند. این فیلم نشان می‌دهد که حتی در دل جنگ، خنده، انسانیت و امید می‌تواند راهی برای ادامه زندگی باشد. تماشای دوباره این فیلم برای جوانان امروز می‌تواند دریچه‌ای تازه به تاریخ سینمای ایران بگشاید. همان‌طور که پیش‌تر در بازخوانی فیلم‌های «دیدبان»، «مهاجر»، «باشو غریبه‌ای کوچک» و «پرواز در شب» اشاره شد، هر یک از این آثار بخشی از حافظه جمعی ما هستند. «لیلی با من است» نیز بخشی از همین حافظه است؛ با این تفاوت که در کنار تلخی و حماسه، طعم خنده را هم به یادگار گذاشته است.

«لیلی با من است» یک کمدی جنگی است، اما فراتر از آن، فیلمی انسانی و فرهنگی است. اثری که به ما یادآوری می‌کند حتی در سخت‌ترین شرایط، خنده و امید می‌توانند زنده بمانند. کمال تبریزی با این فیلم راهی برای نسل‌های بعدی باز کرد تا با خلاقیت و جسارت، جنگ را از زوایای تازه روایت کنند. بازبینی این فیلم نه تنها برای اهل سینما، بلکه برای هر مخاطبی که می‌خواهد تجربه‌ای ترکیبی از خنده، ترس، واقعیت و امید داشته باشد، ضروری است. «لیلی با من است» هنوز هم زنده و تازه است؛ فیلمی که نشان داد طنز می‌تواند پلی باشد میان جنگ و زندگی، میان گذشته و امروز.

سینمای دفاع مقدس در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی، تصویری جدی و حماسی از جنگ ایران و عراق ارائه می‌داد. فیلم‌هایی چون «دیدبان»، «مهاجر»، «پرواز در شب» و «باشو غریبه‌ای کوچک» هر یک در نوع خود روایت‌هایی تلخ، انسانی و واقع‌گرایانه از جنگ داشتند. در این میان، کمال تبریزی در سال ۱۳۷۴ با فیلم «لیلی با من است» دست به تجربه‌ای زد که تا پیش از آن در این ژانر سابقه نداشت و آن روایت طنزآمیز از جنگ بود. تجربه‌ای که هم جسورانه است و هم نقطه عطفی در تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود.

امیر افشار فتوحی
نقد



می‌سازد. مخاطب در می‌یابد که در پس چهره‌های قهرمانانه، انسان‌های واقعی با تردیدها و ترس‌های خود حضور داشتند. کمال تبریزی در کارگردانی نیز نشان داد که چطور می‌توان مرز باریک میان جدیت و کمدی را حفظ کرد. ریتم روایت، زمان‌بندی نماها و انتخاب لحظات سکوت و واکنش، همگی در خدمت خلق موقعیت‌های کمیک هستند. دوربین در بسیاری از صحنه‌ها با فاصله‌ای مناسب، واکنش‌های صادق را دنبال می‌کند تا تماشاگر هم به خنده بیفتد و هم نگرانی او را لمس کند.

پرویز پرستویی با بازی درخشان، صادق مشکینی را به یکی از ماندگارترین شخصیت‌های سینمای ایران بدل کرد. او ترکیبی از سادگی، ترس، صراحت و درماندگی را به نمایش گذاشت. پرستویی توانست کاری کند که مخاطب هم بخندد و هم دلسوزی کند. در کنار او، محمود عزیزی با جدیت شخصیت کمالی، تضادی ایجاد کرد که بار کمدی فیلم را دوچندان می‌کرد. تعامل این دو بازیگر ستون اصلی فیلم است. از نظر بصری، «لیلی با من است» با امکانات محدود توانست فضایی واقعی از جبهه و پشت جبهه خلق کند. استفاده از لوکیشن‌های واقعی، نورپردازی ساده و قاب‌بندی‌های حساب‌شده به فیلم کیفیت مستندوار داده است. این ویژگی باعث می‌شود طنز فیلم در بستری واقعی و باورپذیر شکل گیرد. تبریزی در بسیاری از صحنه‌ها از تضاد تصویر و موقعیت بهره برده است؛ مثلاً نماهایی که در پس‌زمینه‌اش جنگ جریان دارد، اما در پیش‌زمینه صادق درگیر دغدغه‌های شخصی‌اش است. همین ترکیب، لایه‌ای مضاعف از طنز و تأمل می‌سازد. «لیلی با من است» در جشنواره چهاردهم فیلم فجر با استقبال گسترده روبه‌رو شد. تبریزی و مقصودی سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را دریافت کردند و پرویز پرستویی نیز دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد را به دست آورد. این جوایز تأییدی بود بر نوآوری فیلم در ترکیب ژانر کمدی و جنگ.

منتقدان در آن زمان درباره فیلم اختلاف نظر داشتند. برخی آن را جسارتی غیرضروری می‌دانستند، اما بسیاری دیگر معتقد بودند تبریزی توانسته راه

«لیلی با من است» نخستین فیلم دفاع مقدس با لحن کمدی است. بسیاری از منتقدان آن را نه تنها یکی از بهترین کمدی‌های جنگی، بلکه یکی از ماندگارترین آثار سینمای ایران می‌دانند. تبریزی که پیشتر در مستندسازی و تدوین تجربه داشت، با همراهی رضا مقصدی فیلمنامه‌ای نوشت که هم بر بستر واقعیت جنگ استوار بود و هم از زاویه‌ای انسانی و طنزآمیز به موضوع نگاه می‌کرد.

شخصیت اصلی فیلم، صادق مشکینی (با بازی پرویز پرستویی) فیلمبردار تلویزیون است که از جبهه و جنگ هراس دارد. دغدغه او قهرمانی در میدان نبرد نیست، بلکه تکمیل خانه نیمه‌سازش است. او برای گرفتن وام مجبور می‌شود به منطقه جنگی اعزام شود. صادق، شب پیش از سفر وصیت‌نامه می‌نویسد و با ترس و لرز، همراه آقای کمالی (محمود عزیزی) عازم جبهه می‌شود. او در طول مسیر تمام تلاشش را می‌کند که پایش به خط مقدم نرسد، اما مجموعه‌ای از اتفاقات ناخواسته باعث می‌شود درست در دل خطر قرار گیرد.

این تضاد، ترس از جنگ و گرفتار شدن در قلب آن پایه اصلی موقعیت‌های کمدی فیلم است. صادق نه قهرمان است و نه ضدقهرمان؛ او انسانی معمولی است با ضعف‌ها، ترس‌ها و دغدغه‌های کوچک. همین نگاه انسان‌محور باعث می‌شود مخاطب با او همذات‌پنداری کند و روایت فیلم صادقانه و ملموس جلوه کند. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای فیلمنامه این است که طنز آن بر شوخی‌های سطحی بنا نشده، بلکه از دل واقعیت‌های انسانی بیرون می‌آید. صحنه‌هایی که صادق برای فرار از خطر حيله می‌چیند، یا لحظاتی که به اشتباه قهرمان پنداشته می‌شود، نمونه‌هایی از کمدی موقعیت هستند که هم خنده‌آورند و هم واقعی به نظر می‌رسند. تبریزی و مقصودی طنز را در تضادها جست‌وجو کرده‌اند؛ تضاد میان ترس فردی و انتظار جمعی، میان شجاعت تحسین‌شده و ترس پنهان. این نوع طنز نه تنها حرمت جنگ و رزمندگان را خدشه‌دار نمی‌کند، بلکه جنبه انسانی و ملموس آن را پررنگ‌تر

